

در هفدهمین روز ماه مبارک رمضان ۱۴۳۶
در حسینیه‌ی امام خمینی رحمه‌الله

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ (۱)



خیلی خوش‌آمدید برادران و خواهران عزیز. قبلاً بنده عرض کرده‌ام (۲) که تشکیل این جلسه‌ی دیدار با اساتید محترم و مکرم و عزیزمان در درجه‌ی اول، با هدف تکریم از مقام استاد است. ما می‌خواهیم این فرهنگ در کشور جا بیفتد که به استادان احترام گذاشته بشود. این یکی از بزرگ‌ترین تعالیم تربیت اسلامی است. درباره‌ی این، علمای گذشته‌ی ما کتاب نوشتند، احادیث نقل کردند، آیه‌ی قرآن نقل کردند. در درجه‌ی اول این است؛ این یک عمل نمادین است، برای اینکه از اساتید تکریم بشود. هدف دوم و سوم هم که البته مهم است این است که من از برادران و خواهران استاد، مطالبی را بالمشافهه (۳) بشنوم؛ و اگر چیزی به نظرم میرسد به آنها عرض بکنم.

جلسه‌ی امروز جلسه‌ی بسیار خوبی بود؛ افسوس که وقت، کم بود و ما از استفاده‌ی از بقیه‌ی اساتیدی که قرار بود سخنرانی کنند محروم ماندیم؛ ولی همان مطالبی که دوستان بیان کردند، بسیار خوب بود؛ بعضی از آنها حتماً پیگیری ما را لازم دارد که من سفارش خواهم کرد و پیگیری خواهم کرد.

دو سه نکته را من عرض میکنم. نکته‌ی اول این است که استاد فقط به معنای معلّم نیست، بلکه به معنای مرتبی نیز هست؛ این یک راز طبیعی مکشوف برای همه است. کسی که ما از او چیزی یاد میگیریم و بابتی از دانش را به روی ما باز میکند، به‌طور طبیعی یک نفوذی در قلب ما و روح ما ایجاد میکند؛ میتوانیم بگوییم یک حالت تأثیرپذیری در متعلّم ایجاد میشود به برکت همین تعلیم؛ این یک فرصت بسیار بزرگ و استثنائی است. جوانهایی که حاضر نیستند از نصیحت پدر و پدربزرگ و مادر و خانواده چیزی به گوش و به دل بگیرند و درعین حال یک حرف استاد و یک اشاره‌ی استاد در آنها یک اثر عمیق میگذارد، کم نیستند. استاد این جور است. به‌طور طبیعی تعلیم با امکان تربیت همراه است؛ از این فرصت باید استفاده کرد. اگر استاد ما متدین باشد، دارای غیرت مّلی باشد، دارای انگیزه‌ی انقلابی باشد، دارای روحیه‌ی سخت‌کوشی باشد، به‌طور طبیعی اینها به متعلّم منتقل میشود. اگر عکس اینها هم باشد، همین جور. اگر آن استاد، یک انسان باانصاف و بااخلاق باشد، امکان تربیت دانشجوی باانصاف و بااخلاق بالا خواهد رفت؛ عکسش هم همین جور است.

امروز کشور به جوانهایی نیاز دارد که بتوانند بازوان پُر قدرتی باشند برای پیشرفت کشور، سرشار از انگیزه‌ی ایمانی، بصیرت دینی، همت بلند، جرئت اقدام، اعتمادبه‌نفس، اعتقاد به اینکه «ما میتوانیم»، امید به آینده، افقهای آینده را روشن و درخشان دیدن، روح استغناء - نه به معنای اعراض از فراگیری از بیگانگان، که این را ما هرگز توصیه نکرده‌ایم و نمیکنیم؛ حاضریم شاگردی کنیم پیش دیگران که از ما بیشتر بلدند - روحیه‌ی استغناء از تأثیرگذاری، تحمیل و سوءاستفاده‌ی از انتقال دانش که امروز در دنیای دانشمندان که دنیای قدرت استکباری است این معنا رایج است - این روحیه‌ی استغناء باید در جوان وجود داشته باشد - روحیه‌ی فهم درست از موقعیت کشور که ما در کجا هستیم و کجا می‌خواهیم برسیم و چگونه میتوانیم این راه را طی کنیم - که در بیانات امروز این اساتید، نکات روشنی در این زمینه حقیقتاً وجود داشت - قاطع بودن در برابر دست‌اندازی، تجاوز و خدشه‌دار کردن استقلال مّلی؛ ما به جوانهایی با یکچنین روحیه‌هایی نیاز داریم. این روحیه‌ها را، این امتیازات را استادها میتوانند در نسل جوان مشغول تحصیل و علم‌آموز کشور، القا کنند و تزریق کنند و به‌وجود بیاورند؛ استاد این است؛ البته با روش، با منش، نه با درس اخلاق. توصیه نمیکنم که اساتید علمی، کلاس اخلاق بگذارند برای دانشجو؛ این یک کار دیگری است. اساتید ما با رفتار خودشان، با اظهارات خودشان، با منش خودشان، با اظهار عقیده‌هایی که در زمینه‌های مختلف میکنند، میتوانند این تأثیرات را در دانشجوی خود، در جوان امروز القا کنند و به‌وجود بیاورند و خلق کنند. اینکه ما گفتیم اساتید فرماندهان جنگ نرمند، این به این معنا است. اگر آن جوان - همچنان که ما عرض کردیم - افسر جوان جنگ نرم است، استاد، فرمانده او است و این فرماندهی به این صورت است.

در جنگهای سخت هم همین جور بود: هر وقت خود فرمانده -فرمانده گردان، فرمانده گروهان، فرمانده تیپ- در وسط میدان در نقطه‌ی حساس حضور داشت، یعنی خود او اگر چنانچه می‌جنگید، تأثیر فوق‌العاده‌ای در سربازان هم داشت. مخصوص ما هم نیست، دیگران هم همین جور هستند. ناپلئون پهلوی سربازهای خودش با لباس روی خاک می‌خوابید. راز پیشرفتهای جنگی ناپلئون در دوران خودش که یک چیز فوق‌العاده‌ای است، این است: سربازها از او فقط به زبان دستور نمی‌گرفتند، در عمل دستور می‌گرفتند. جوانهای ما هم در دوران دفاع هشت‌ساله همین جور عمل کردند؛ فرمانده لشکر، گاهی اوقات جلوتر از عناصر عادی در میدان جنگ حضور داشت؛ در خطوط مقدم حضور داشت و حتی گاهی به شناسایی میرفت؛ خود فرمانده لشکر میرفت شناسایی! که این در ارتشهای دنیا یک چیز بی‌معنی و غیر قابل قبولی است، اما این اتفاق افتاد و همین بود که پیشرفتهای و شگفتی‌های عظیم دوره‌ی دفاع مقدس را به‌وجود آورد. در جنگ نرم هم همین جور است. استاد خودش باید وسط میدان این مبارزه‌ی عمیق، حیاتی و مقدس -یعنی همین چیزی که اسمش را می‌گذاریم «جنگ نرم» که این هم یک دفاع مقدسی است- حضور داشته باشد.

امروز ما در حدود هفتاد هزار عضو هیئت علمی در کشور داریم که این مایه‌ی افتخار است. من یادم است در سالهای اول انقلاب -در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۶۰، شاید هم تا نیمه‌ی دوم- تعداد اعضای هیئت علمی، حدود پنج هزار و شش هزار تخمین زده می‌شد. این عدد امروز به حدود هفتاد هزار رسیده؛ این مایه‌ی افتخار کشور و مایه‌ی افتخار انقلاب و مایه‌ی افتخار دانشگاه ما است.

خوشبختانه بخش عظیمی از این نیروی بزرگ و گسترده، انسانهای مؤمن، متدین، مذهبی، انقلابی و معتقد به مبانی دین و انقلابند؛ این هم چیز بسیار مهمی است؛ این [هم] یک پدیده‌ای است. باید عناصر مؤمن و انقلابی در هیئت‌های علمی، قدر دانسته شوند. این را من خطاب به مدیران عزیزمان، به مسئولین وزارت آموزش عالی و وزارت بهداشت و آموزش پزشکی می‌گویم: قدر بدانید! وزرای محترم و هیئت‌های مدیره‌ی وزارتخانه‌ها، باید از حضور این اساتید مؤمن و اساتید پایبند به ارزشهای دینی که ایستاده‌اند پای حرف حق خودشان و از این هجمه‌های تبلیغاتی و مودیگری‌های زیرزیرانه -که از خیلی از آنها هم ما مطلعیم- نهراسیدند و عقب ننشستند، قدردانی کنند. مدیران محترم! عناصر مؤمن و اساتید مؤمن را در دانشگاه‌ها ارج بنهید.

این مطلب اول راجع به اهمیت استاد. من اگر میتوانستم با همه‌ی این هفتاد هزار استاد عزیز در کشور دیدار کنم، حتماً این کار را میکردم، و اگر میتوانستم از یکایک آنها سخنی بشنوم حتماً می‌شنیدم؛ منتها خوب، معلوم است که دست ما کوتاه است و این خرما شیرین و ارزشمند بر نخیلی بلند. (۴)

نکته‌ی دوم در مورد مسئله‌ی علم است. خوشبختانه امروز جنبش علمی در کشور تبدیل شده به یک جریان؛ این یک جریان تثبیت‌شده‌ی در کشور است و در این تردیدی نیست. در این ده پانزده سال اخیر اساتید ما، دانشمندان ما، جوانان ما در این زمینه کار کردند و آثار آن را هم در صعود رتبه‌ی علمی کشور مشاهده می‌کنیم. ما رسیدیم به رتبه‌ی شانزدهم علمی جهان، این خیلی مهم است؛ رتبه‌ی ما خیلی عقب‌تر و پایین‌تر از این حرفها بود؛ کشور را به رتبه‌ی شانزدهم رساندند و این بسیار چیز باارزشی است.

چند نکته در اینجا وجود دارد: نکته‌ی اول این است که رسیدن ما به رتبه‌ی بالای علمی، ناشی از شتاب فوق‌العاده‌ی کار بود. طبق [آمارهای جهانی](#)، شتاب [پیشرفت علمی](#) در کشور، سیزده برابر متوسط جهان بود؛ این را مراکز آمار علمی دنیا اعلام کردند که ما هم مکرراً قبلاً اعلام کردیم. این شتاب، امروز کم شده. اینکه بعضی می‌گویند از لحاظ پیشرفت علمی عقب ماندیم، بعضی می‌گویند نه، عقب نماندیم و هر دو هم آمار ارائه می‌کنند، نکته‌اش اینجا است: بله، علی‌الظاهر از رتبه‌ی شانزدهم یا شانزدهم تنزل نکردیم -این درست است- اما بایستی ترقی می‌کردیم؛ یعنی آن شتاب بایستی ادامه پیدا میکرد؛ این شتاب امروز کم شده. برادران و مسئولان عزیز وزارتخانه‌ها به این [نکته] توجه کنند؛ آن شتاب، امروز نیست. کاری کنید که شتاب رشد علمی فروکش نکند؛ باز به تعبیر نظامی‌های جنگ سخت، این حرکت از دور نیفتد. البته میدانیم که هرچه جلوتر برویم، طبعاً این شتاب کمتر خواهد شد؛ یعنی وقتی خیلی عقبیم، ظرفیتهای استفاده‌نشده‌ی بیشتری وجود دارد که هرچه جلوتر بیایم، این ظرفیتهای طبعاً کمتر میشود، چون استفاده میشود -این را میدانیم- اما آن شتاب لازم و متناسب، در پیشرفت علمی نباید کم بشود.

نکته‌ی دوم این است که محیط علمی کشور را از حاشیه‌سازی‌ها برکنار نگه دارید. اشتباه نشود؛ من نمی‌گویم در دانشگاه‌ها سیاست نباشد - شاید خیلی‌ها یادشان است که من سالها پیش در همین جلسه‌ی ماه رمضان در حضور اساتید، تعبیر تندی کردم نسبت به آن کسانی که می‌خواستند دست‌وپای سیاست را از دانشگاه‌ها و میان دانشجویها جمع کنند که مایه‌ی گله‌ی خیلی‌ها شد- نه، بنده معتقدم محیط دانشگاه،

محیط فهم سیاسی، تحلیل سیاسی، دانش سیاسی، آگاهی سیاسی است؛ این را من مانع نیستیم؛ نه، [بلکه میگویم] سیاست‌بازی نشود، سیاسی‌کاری نشود، حاشیه‌سازی نشود. این حاشیه‌سازی‌ها به کار اصلی که عبارت است از کار علم و پیشرفت علم با همه‌ی خصوصیتاتی که این مسئله دارد، لطمه میزند.

یکی از غلطترین کارهایی که در این یکی دو سال اخیر اتفاق افتاد، این مسئله‌ی بورسیه‌ها بود. اگر راست هم بود این حرف - که البته بعد تحقیق کردند، معلوم شد به آن شکل، راست هم نیست؛ آن طوری که روزنامه‌ها با آن بازی کردند هم نبود؛ به ما گزارشهای دقیق و بر اساس بررسی‌ها دادند - راهش این نبود که ما مسئله را روزنامه‌ای کنیم. یک تعدادی برخلاف قانون یک امتیازی به‌دست آوردند؛ خیلی خوب، راه قانونی وجود دارد: لغو کنند آن امتیاز را؛ سروصدا ندارد. جنجال درست کردن، حاشیه درست کردن است و این سم برای محیط علمی است که بایستی با آرامش کار خودش را دنبال بکند. این سم را متأسفانه افرادی بر اساس همان پایه‌های بینش فکری مبنی بر سیاسی‌کاری و سیاست‌بازی به کام دانشگاه کشور ریختند؛ چرا؟ علاوه بر اینکه ظلم هم شد - به خیلی‌ها ظلم شد - هم خلاف قانون بود این کار، هم خلاف تدبیر بود این کار، هم خلاف اخلاق بود؛ آن وقت مدام دم از اخلاق هم میزنند. توبه‌فرمایان چرا خود توبه کمتر میکنند! (۵) این کار اخلاقی بود؟ حاشیه‌سازی نشود. نگذارید محیط آموزش عالی اسیر حواشی بشود.

مسئله‌ی بعدی مسئله‌ی علوم انسانی است. در زمینه‌ی علوم انسانی عقیبیم. دوستان که درباره‌ی علوم انسانی صحبت کردند، بدرستی بر روی اهمیت علوم انسانی، حتی در صنعت، تکیه کردند؛ درست است. این آماری که این برادر عزیزمان دادند برای من جالب بود که گفتند در پیشرفت صنعتی، حدود چهل درصد مثلاً - یا پنجاه درصد - مربوط به مسائل مهندسی و مربوط به مسائل فنی است، حدود پنجاه شصت درصد مربوط به مسائل علوم انسانی - مثل مدیریت، همکاری، سخت‌کوشی - است؛ راست میگویند، این خیلی مهم است. در زمینه‌ی علوم انسانی، امروز خوشبختانه چند نفر از برادران مطالب خوبی گفتند، همان حرفهای دل ما است؛ البته حرفهای زبان ما هم هست؛ این مسائل را ما هم بعضاً گفتیم. علوم انسانی بسیار مهم است. تحول در علوم انسانی که به دلایل بسیار یک امر لازم و ضروری است، نیاز دارد به جوششی از درون و حمایتی از بیرون. خوشبختانه جوشش از درون امروز هست. من میبینم [گزارش کارها]، هم در شورای عالی انقلاب فرهنگی - همین شورای تحول و دوستانی که در آنجا مشغول کارند - هم در خود دانشگاه‌ها، هم آن‌طور که امروز ملاحظه کردید [در صحبت] بعضی از دوستانی که درباره‌ی علوم انسانی صحبت کردند، نشان‌دهنده‌ی این است که این جوشش درونی در درون دانشگاه‌ها آن هم از سوی فرزندان و از سوی انسانهای دانشمند، وجود دارد؛ حمایت از بیرون هم باید وجود داشته باشد - حمایت گوناگون - که یکی از مصادیق این حمایت، تبعیت دانشگاه و وزارت از مصوبات شورای تحول است. یک مصوباتی دارند که امروز هم یکی از برادرها همین حالا بیان فرمودند که همان مقداری که کار شده، همین مقدار عملیاتی بشود. هر مقداری که تلاش شده است، کار شده است، این اجرائی بشود و عملیاتی بشود. در دفترها و کتابها و زونکن‌ها - و به قول ایشان در پیچ‌وخم‌های دالانهای وزارت یا شورای عالی انقلاب فرهنگی - نماند، بیاید عملیاتی بشود؛ این کاملاً درست است. وزارت به این نکته توجه کند. آقای دکتر فرهادی (۶) هم اینجا نشسته‌اند، اینها چیزهایی است که من بخصوص به ایشان توجه میدهم که این مسائل را دنبال کنند؛ این کار، کار بزرگی است. امروز سررشته‌ی علم در کشور و سررشته‌ی دانشگاه در کشور، در دست این برادران خوب ما است؛ اینها بایستی به معنای واقعی کلمه و دلسوزانه دنبال بکنند.

یک نکته‌ی دیگر مسئله‌ی سهم بودجه‌ی پژوهش است. البته درباره‌ی این مسائلی که عرض میکنم، یک توضیحاتی هم لازم است منتها وقت نزدیک به اذان است و نمیتوانم خیلی بحث را توسعه بدهم. سهم بودجه‌ی پژوهش مهم است؛ چند سال است که بنده در همین جلسه و در جلسات دیگر و در دیدارهای خصوصی با مسئولین اجرائی کشور، روی این مسئله تکیه کرده‌ام، متأسفانه اطلاعاتی که به من میدهند و گزارشی که به من میدهند، نشان میدهد که نه، این حرفهای ما مثل نصیحت است؛ نصیحتی که مثلاً یک نفر منبر میرود و یک نصیحتی میکند؛ با این چشم نگاه شده؛ این جور نیست؛ باید سعی بشود. حالا در چشم‌انداز، ۴ درصد از بودجه‌ی عمومی را برای پژوهش در نظر گرفتند؛ ما حالا آن قدر همتان برای این در کوتاه‌مدت، بلند نیست؛ اما همان ۱/۵ درصد یا ۲ درصدی که ممکن است و صحبت است، باید انجام بگیرد؛ هنوز بودجه‌هایی که وجود دارد برای پژوهش، بحث چند صدم درصد است؛ یکی این مسئله است؛ یکی هم صرف درست و برنامه‌ریزی‌شده‌ی منابع مالی پژوهش؛ باید درست صرف بشود و درست در جای خود قرار بگیرد.

نکته‌ی بعدی مسئله‌ی نقشه‌ی جامع علمی است؛ خوب، نقشه‌ی جامع علمی با زحمت و تلاش دوستان تکمیل شد و به جایی رسید و یک سند کامل خوب تهیه شد برای کشور که خیلی مغتنم است. آن کسانی هم که صاحب‌نظر هستند، بعد از اینکه نقشه‌ی جامع علمی کشور تهیه شد - آن‌طور که به بنده گزارش دادند و منتقل شد - تأیید کردند؛ یعنی اینکه یک اشکال عمده‌ای، یک اشکال بزرگی بر این چیزی که در

شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه شده، وارد باشد، نه؛ چنین چیزی وجود نداشته؛ یعنی مورد تأیید قرار گرفته است؛ منتها این نقشه‌ی جامع علمی باید عملیاتی بشود که قدم اولش هم گفتمان‌سازی است. می‌شنوم من که دوستانی که به شهرستان‌ها مسافرت میکنند، در دانشگاه‌های کشور حضور پیدا میکنند، می‌گویند بسیاری از اساتید -چه برسد به دانشجویان- و حتی مدیران، درست اطلاعی از نقشه‌ی جامع علمی کشور ندارند. حالا یکی از دوستان اینجا گفتند که خیلی‌ها از اقتصاد مقاومتی که شما می‌گویید، اطلاع ندارند؛ بله، این یکی از ضعف‌های کار ما است. ما اگر می‌خواهیم یک خواسته‌ای تحقق پیدا کند، قدم اول این است که این خواسته را به‌صورت یک گفتمان پذیرفته‌شده دریاوریم؛ مسئله‌ی علم از همین قبیل بود که یک گفتمان شد و به‌طور طبیعی وارد جریان عملی شد، عملیاتی شد و به‌صورت یک جریان درآمد؛ این [مسئله] هم همین‌جور است. مسائل مربوط به نقشه‌ی جامع علمی کشور باید تبدیل بشود به یک گفتمان و به‌صورت جدی اجرا بشود؛ این یک نکته است.

از مسائل جنبی این هم یک نکته‌ی مهم دیگر است و آن عبارت است از سند آمایش آموزش عالی. اینکه یکی از دوستان اشاره کردند که «اگر همه‌ی چیزهایی که مورد نظرمان است اولویت‌های ما باشند، معنایش این است که اصلاً اولییتی نداریم»، این حرف درست و حرف متین است. اینکه گفتند «ما در چند رشته‌ی صنعتی مشخصاً بگوییم در این رشته‌ها می‌خواهیم پیشرفت بکنیم و روی آنها سرمایه‌گذاری انسانی و مالی و همت و توانایی‌های گوناگون بکنیم»، این کاملاً حرف درستی است. بنده یک وقتی در مورد ورزش این مطلب را گفتم؛ گفتم ما در دو سه رشته‌ی ورزشی میتوانیم در دنیا یا اول باشیم یا دوم؛ خیلی خوب، برویم سراغ اینها؛ در بعضی از رشته‌های ورزشی نه، ما امید اول و دوم شدن نداریم؛ منظورم در ورزش‌های قهرمانی و در مسابقات جهانی است. اتفاقاً همین کار را هم کردند؛ یعنی یک مقداری در این زمینه‌ها کلام برداشتند و مفید و مؤثر هم بوده؛ در این زمینه هم همین‌جور است. نگاه کنیم ببینیم کدام رشته‌ی علمی، در کدام دانشگاه و در کدام منطقه‌ی کشور دارای اولویت است؛ آمایش علمی سرزمینی کشور به این معنا است. ما در کدام دانشگاه‌ها بایستی چه رشته‌هایی را دنبال بکنیم و روی آن سرمایه‌گذاری کنیم و از آنها پاسخ بخواهیم و مطالبه بکنیم. این هم یک مسئله است که بایستی این سند تکمیل بشود و عملیاتی بشود و کار بشود.

آنچه من در پایان عرض میکنم، این است که برادران عزیز، خواهان عزیز! قدر این کاری که به آن اشتغال دارید را بدانید. از این عزیزتر و محترم‌تر، امروز کاری نمیشود سراغ کرد از کارهایی که در اختیار ما است. شما کارهای بزرگی را بر عهده گرفتید که دارید انجام میدهید. در وزارت علوم، عزم و همت کار بایستی روزه‌روز افزایش پیدا کند، اگر بخواهیم این کارها انجام بگیرد.

من البته یکی از چیزهایی که یادداشت کرده‌ام، مسئله‌ی افزایش تعداد دانشجو در دوره‌های تحصیلات تکمیلی است -که خوشبختانه در این چند سال اخیر افزایش چشمگیری پیدا کرده و این یک مزیت بسیار فوق‌العاده‌ای است- منتها بایستی برنامه‌ریزی صحیحی نسبت به خروجی این پدیده‌ی مهم انجام بگیرد. در دوره‌های تحصیلات تکمیلی، دانشجویان دنبال این هستند که یک چیزی را تحقیق کنند، یک چیزی را بنویسند، رساله‌ای را تهیه کنند؛ این احتیاج دارد به یک نظام، احتیاج دارد به یک نگرش کلان، به یک هدایت کلی که چه تهیه بشود که کشور بتواند از آن استفاده بکند. اگر چنانچه این نشد، ما منابع را هدر داده‌ایم؛ هم استاد را، هم دانشجو را، هم پول را، هم مدیریت را، هم امکانات گوناگون دیگر را هدر داده‌ایم. این نگاه‌های کلان، این برنامه‌ریزی‌های کلان، این انتظام‌بخشیدن‌های کلان به مسائل مربوط به وزارت علوم، کارهای اساسی است که بایستی انجام بگیرد و گره‌های کشور ان‌شاءالله از این طریق باز بشود.

کاری که شما اساتید میکنید کار مهمی است. کاری که دستگاه مدیریت علمی کشور انجام میدهد -که عمدتاً وزارت‌ها هستند و معاونت علمی رئیس‌جمهور- کار مهمی است؛ این کار را اهمیت بدهند؛ آن تقویم و ارزیابی حقیقی نسبت به این انجام بگیرد؛ بدانیم که چه کار مهمی دارد انجام میگردد.

همین‌طور که بعضی از دوستان در سخنرانی‌های خودشان اشاره کردند، هدف دشمنان ملت ایران این است که نگذارند این کشور و این ملت به جایگاه شایسته‌ی خودش، آن جایگاه تمدنی، برسد؛ [چون] احساس کرده‌اند که این حرکت در کشور آغاز شده؛ تحریم‌ها به‌خاطر این است. بله، بنده هم عقیده‌ام این است که هدف تحریم‌ها مسئله‌ی هسته‌ای فقط نیست، مسئله‌ی حقوق بشر هم نیست، مسئله‌ی تروریسم هم نیست. گفتند چرا فلانی برای روضه‌ی علی‌اصغر که روضه‌خوان خواند، گریه نکرد؟ گفت آن بنده خدا خودش صد علی‌اصغر سر بریده؛ این برای روضه‌ی علی‌اصغر گریه میکند؟ اینها خودشان تروریست‌پرورند، اینها خودشان ضد حقوق بشرند؛ اینها دنبال این هستند که برای حقوق بشر به یک کشوری فشار بیاورند؟ مسئله این نیست؛ مسئله یک محاسبه‌ی بسیار بالاتر و فراتر از این حرف‌ها است؛ یعنی یک ملّتی، یک حرکتی، یک هویتی به‌وجود آمده است مبتنی بر منابعی و مبادی‌ای درست نقطه‌ی مقابل مبادی نظام استکبار و نظام ظلم و انظلام؛ نمی‌خواهند این به

جایی برسد؛ ما در یک‌چنین موقعیتی هستیم؛ ما در یک‌چنین جایگاهی هستیم. بایست حرکت بکنیم، باید تلاش کنیم. تحریم‌ها هم البته زحمت‌هایی ایجاد میکند اما میتواند مانع پیشرفت نشود؛ [باید] از ظرفیتهایمان استفاده کنیم. و شما اساتید در این زمینه نقش دارید؛ و وزارت علوم و وزارت‌های مربوط به مسئله‌ی دانش، نقش‌های اساسی و مهمی دارند؛ این نقش‌ها را قدر بدانید و دنبال کنید و ان‌شاء‌الله از خدای متعال هم کمک بخواهید. این آیه‌ی شریفه را هم که دوستان خواندند -إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ- (۷) این وعده‌ی بی‌تخلف الهی است.

پروردگارا! به برکت این روزها و این شبها، به برکت خون مطهر امیرالمؤمنین (علیه الصلاة والسلام) و خونهای پاکی که در راه حق در این سالها بر زمین ریخته شد -و در کشور ما شهدائی بروز کردند و ظهور کردند- به برکت این خونها، به برکت این مجاهدتها، به برکت این قداستها، ملت ما را روزبه‌روز به سربلندی و سعادت حقیقی نزدیک بفرما؛ پروردگارا! مجاهدان این راه، فعالان این راه، از جمله اساتید محترم و دانشجویان و کسانی که در راه علم تلاش میکنند، همه‌ی اینها را از توفیقات خود بهره‌مند بفرما؛ روح مطهر امام بزرگوارمان و ارواح طیبه‌ی شهدا را با شهدای صدر اسلام محشور بفرما.

والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته

- ۱) قبل از شروع بیانات معظّم‌له، هفت نفر از اساتید به بیان نظرات و دیدگاه‌های خود پرداختند.
- ۲) از جمله بیانات در دیدار جمعی از اساتید دانشگاه‌های کشور (۱۳۹۲/۵/۱۵)
- ۳) به‌طور شفاهی
- ۴) اشاره به مصرعی از حافظ: «دست ما کوتاه و خرما بر نخیل»
- ۵) دیوان حافظ
- ۶) دکتر محمد فرهادی (وزیر علوم، تحقیقات و فناوری) در جلسه حضور داشت.
- ۷) سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷؛ «... اگر خدا را یاری کنید، یاریتان میکند و گامهایتان را استوار میدارد».